



Iran's Participatory Criminal Policy on Reducing Sports Offenses and Violations

Omid Safari *

Assistant Professor, Department of Physical Education and Sports Sciences, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani, Iran.

Arsalan Kosha

Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani, Iran.

Abolfazl Alizade

Master's Degree in Law, Department of Law, Faculty of Humanities, Islamic Azad University, Noorabad Mamasani Branch, Noorabad Mamasani, Iran.

Abstract

Sport has long been regarded as one of the most fundamental tools of education in promoting the physical, mental and psychological health of individuals in the community, and has influenced institutions in every country to use it as a tool for public guidance and to help citizens align it. This study is a descriptive-analytical study, based on the nature and method of work, the data of which is gathered through credible scientifically based documents, and by examining and studying the role of Iran's participatory criminal policy in reducing sports offenses and violations, Participatory criminal policy is a criminal policy with the participation of civil society that can control and reduce sport offenses and offenses by involving people as one of the important potentials in society. One of the effective strategies to enhance people's participation and participation is to familiarize the public with the goals and principles of participatory criminal policy on how to reduce sports offenses by engaging with the mass media to eliminate the cultural weakness in the development of participation. Be.

Keywords: penal policy, collaborative criminal policy, non-governmental organizations, sport offenses and offenses, sport

Received: 13/November/2021

Accepted: 17/January/2022

eISSN: 2783-4204

ISSN: 2783-3631

سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی

استادیار گروه تربیت‌بدنی و علوم ورزشی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

امید صفری *

استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

ارسلان کوشا

کارشناسی ارشد گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نورآباد ممسنی، نورآباد ممسنی، ایران.

ابوالفضل عالی‌زاده

چکیده

ورزش از دیرباز تاکنون به‌عنوان اساسی‌ترین ابزار تربیت در ارتقاء سطح سلامت جسمانی، روحی و روانی افراد جامعه مطرح بوده و نهادهای اثرگذار در هر کشور را بدان واداشته تا از آن به‌عنوان ابزار هدایت عامه بهره‌گیرند و به کمک آن، شهروندان هم‌ترازی داشته باشند. این پژوهش با توجه به ماهیت و روش انجام کار، توصیفی-تحلیلی بوده که اطلاعات آن به شیوه اسنادی و مبتنی بر منابع علمی گردآوری شده است. بررسی و مطالعه نقش سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی نشان می‌دهد سیاست جنایی مشارکتی، یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی است که با مشارکت دادن مردم به‌عنوان یکی از پتانسیل‌های مهم در جامعه می‌تواند جرائم و تخلفات ورزشی را کنترل و کاهش دهد. از جمله راهکارهای مؤثر در تقویت نقش‌پذیری و مشارکت مردم، آشناسازی بیشتر افراد جامعه با اهداف و مبانی اصولی سیاست جنایی مشارکتی در چگونگی کاهش جرائم و تخلفات ورزشی از طریق تعامل با رسانه‌های جمعی است. این راهکار منجر به از بین رفتن ضعف فرهنگی موجود در توسعه مشارکت‌پذیری می‌شود.

کلیدواژه‌ها: سیاست جنایی، سیاست جنایی مشارکتی، سازمان مردم‌نهاد، جرائم و تخلفات ورزشی، ورزش

مقدمه

امروزه، پدیده ورزش به‌عنوان ضرورتی انکارناپذیر و یک نیاز اساسی و زیربنایی، به‌طور چشمگیری مورد توجه همگان قرار گرفته (دارابی و همکاران، ۱۳۸۸) و به‌عنوان یک ابزار چندبعدی با تأثیرات گسترده، جایگاه و نقش خود را در اقتصاد، سلامتی افراد، گذراندن اوقات فراغت سالم و لذت‌بخش، روابط اجتماعی، پیشگیری از مفاسد اجتماعی و انحرافات اخلاقی رو به گسترش در جامعه و کاربردهای عدیده دیگر متجلی ساخته است (حمیدی، ۱۳۹۵). بدون تردید در عصر کنونی، ورزش به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی، روابط متقابلی را با دیگر پدیده‌های اجتماعی برقرار می‌کند. دولت‌ها سعی دارند از طریق برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی در سطح داخلی و بین‌المللی، فکر و ذهن میلیون‌ها علاقه‌مند را به ورزش اختصاص دهند و به‌وسیله آن بسیاری از جرائم و تخلفات موجود در بین جوانان و نوجوانان را کنترل نمایند. البته برگزاری رویدادهای مختلف ورزشی، قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های خاص خود را دارد و ورزشکاران بر اساس آن‌ها برنامه‌های خود را به نمایش می‌گذارند. ممکن است در اجرای این‌گونه از برنامه‌ها جرائم و تخلفاتی نیز صورت گیرد. از آنجا که پدیده جرم و بزه کاری، یک مشکل اجتماعی مرتبط با سایر پدیده‌ها است و با توجه به فواید ارزشمند و اهداف ورزش مشخص می‌شود که ورزش و تربیت بدنی اثرات قابل توجهی در کاهش بزه کاری داشته و دارد. همچنین، ورزش در کاهش ناسازگاری جوانان مؤثر بوده و باعث کاهش فشارهای روانی آنان می‌شود. افراد از طریق مشارکت در فعالیت‌های حرکتی، تعادل لازم را از نظر ذهنی، جسمی و روانی کسب می‌نمایند و توانایی مقابله با مشکلات و فشارهای ناشی از زندگی مدرن را به دست خواهند آورد. همان‌طور که مشخص شده است، جرم نتیجه جمع جبری عوامل مؤثر در بزه کاری است که تحت تأثیر تعارضات گوناگون، مناقشات روانی، فشار بر نقاط ضعف شخصیت افراد، عدم توانایی مقاومت در برابر فشارهای مزبور و به هم خوردن موازنه روانی ارگانیزم، در شرایط خاص اتفاق می‌افتد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶).

امروزه، ورزش به‌عنوان یک امر مهم در زندگی افراد جامعه و با هدف بالا بردن سطح سلامت جسمانی، روحی و روانی آنان مطرح شده است. ورزش از دیرباز با روش‌های سنتی و ابتدایی و در حال حاضر به شکل پیشرفته و مدرن توانسته جایگاه و نقش مهمی در بهبود وضعیت جوامع انسانی پیدا کند (مددی، ۱۳۸۵). انجام ورزش و کلیه فعالیت‌های مرتبط با آن، مستلزم صرف هزینه‌ها و همچنین، امکانات بسیار زیادی برای متولیان اجرایی آن دارد. هر ساله، دولت‌ها بودجه کلانی را برای توسعه و مشارکت نهادهای مختلف در جهت اجرای صحیح قوانین، دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های انضباطی صرف می‌نمایند تا ضمن ترویج ورزش‌های همگانی با آداب و فرهنگ صحیح اسلامی، به گونه‌ای از بروز هرگونه کج‌رفتاری‌ها، خشونت‌ها و جرائم احتمالی در ورزش جلوگیری نمایند. وجود قوانین و مقررات وضع شده در حوزه ورزش، نشان از اهمیت ارزنده و جایگاه حساس آن در رشد و شکوفایی جامعه انسانی دارد. بدون شک، محیط‌های مربوط به انجام فعالیت‌های ورزشی و حرفه‌ای، عاری از هرگونه آسیب‌پذیری، بروز حوادث و تخلفات احتمالی ورزشی نبوده و رفتار و عملکرد ورزشکاران، تماشاگران و هر یک از افراد حاضر در حوزه ورزش می‌تواند در نوع خود به گونه‌ای باشد که قوانین و مقررات را زیر پا گذاشته و بستر ایجاد جرائم را فراهم نمایند. بر همین اساس، از الزامات قانونی، وضع مجازات بازدارنده مرتبط با نوع تخلفات و جرائم ارتكابی از سوی متخلفین یا مجرمین است تا به دنبال آن به یک ثبات، آرامش و احساس امنیت در میدانی ورزشی دست یافت (عظیمی، ۱۳۹۷). در حال حاضر از دیدگاه سیاست‌جنبی کشور، انجام هرگونه حرکات و اقدامات مغایر با موازین شرعی و نقض مقررات ورزشی در میدانی، چه از سوی ورزشکاران و چه از سوی تماشاگران، به دلیل احتمال آسیب‌هایی مانند نقص عضو و حتی مرگ افراد ورزشی و یا غیرورزشی، جرم شناخته شده و می‌بایست مورد پیگرد قضایی و قانونی قرار گیرد. لذا در این مطالعه سعی بر آن است که به بررسی سیاست‌جنبی مشارکتی ایران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی پرداخته و بر اساس آن مشخص

گردد آیا در سیاست جنایی کشور ما نقض مقررات ورزشی به عنوان علل موجهه جرم شناخته شده است یا اینکه صرفاً یک نوع خطا و تخلف انضباطی محسوب می‌شود؟ همچنین، از دیدگاه سیاست جنایی کشور، آیا ورزش و تربیت بدنی، نقش مؤثری را در پیشگیری، جرم‌زدایی و کاهش جرائم اجتماعی ایفا می‌کند؟ آیا نقش مشارکتی سیاست‌گذاران، مدیران ارشد و مردم در حوزه ورزش جهت کاهش جرائم و تخلفات ورزشی مؤثر است و آیا مشارکت رسانه‌ها در پیشگیری و کاهش جرائم ورزشی مؤثر بوده است یا اینکه به صورت دوگانه باعث افزایش وقوع جرم شده‌اند؟ در ادامه سعی شده تا پاسخ‌های جامعی برای تمامی سؤالات مطرح شده ارائه شود.

روش تحقیق

این پژوهش با توجه به ماهیت و روش انجام کار، توصیفی-تحلیلی بوده که اطلاعات آن به شیوه اسنادی مبتنی بر منابع معتبر علمی گردآوری شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه باید نتایج بررسی‌ها و مطالب ارائه‌شده در پژوهش به تحلیل مطالب و پاسخ‌دهی به سؤالات پژوهش و تعیین تکلیف فرضیه‌ها منتهی شود، در این قسمت به صورت موردی در هر مبحث به تحلیل مباحث مرتبط با سؤالات و فرضیات پژوهش پرداخته شده است.

برای بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری و کاهش جرائم و تخلفات ورزشی می‌توان با توجه به مطالعات انجام‌شده بیان کرد که سازمان‌های مردم‌نهاد دارای ظرفیت‌های بسیاری هستند، این‌گونه نهادها با به صحنه آوردن مردم در زمینه‌های مختلف، دولت را در پیشبرد اهداف خود کمک می‌کنند و معمولاً چون از بودجه دولتی استفاده نمی‌نمایند، هزینه‌ای برای دولت به بار نمی‌آورند. حتی در بسیاری از موارد، کاستی‌های دولت و عملکرد ضعیف آن را پوشش می‌دهند. هرچند این سازمان‌ها در کشورهای مختلف و بر اساس قوانین داخلی آن کشورها ایجاد می‌شوند اما با همه تفاوت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی که بین جوامع وجود دارد، همه این سازمان‌ها به عنوان نهادهایی خودمحمور و مردمی دارای ارزش‌ها و اهداف مشترک هستند. مهم‌ترین این موارد، حمایت از حقوق بشر و فرد بشر در هر جای دنیاست. البته در بسیاری از موارد به دلیل دخالت‌ها و کارشکنی‌های دولت، عملکرد این‌گونه سازمان‌ها با مشکلات عدیده‌ای مواجه می‌شود. به این کارشکنی‌ها باید مواردی چون عدم بودجه کافی، عدم هماهنگی و همکاری اعضا و بی‌تجربگی اعضا آن‌ها را نیز اضافه نمود.

در بسیاری از موارد، اجتماعی بودن پدیده جرم ایجاب می‌کند تا حتی المقدور به منظور پیشگیری و سرکوب جرائم و تخلفات از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی استفاده شود. مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیندهای کیفری، یکی از این ظرفیت‌ها است؛ بنابراین، مشارکت مردم به عنوان سازمان‌های مردم‌نهاد مستقل از دولت در کنار سازمان‌های دولتی در حمایت از حقوق ورزشکاران، تأثیر بسزایی دارد. امروزه، موفقیت چشمگیر این سازمان‌ها بیش‌ازپیش خود را نشان داده و در بسیاری از موارد باعث همکاری ملت‌های مختلف و حل بحران‌های موجود شده است؛ به‌ویژه کشورهای دموکراتیک و آزاد توانسته‌اند از وجود این نهادها استفاده فراوانی نموده و در عین حال، بستر کافی جهت رشد و عملکرد بهتر آن‌ها را مهیا نمایند؛ هرچند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، مشکلات بسیاری بر سر راه این سازمان‌ها قرار دارد.

به‌طور کلی، یکی از دلایل و قابلیت‌های تشکیل سازمان‌های مردم‌نهاد، مشارکت در امر پیشگیری و کاهش جرائم و تخلفات است. اتخاذ رویکردهای مشارکتی صحیح، سازنده و واقعی در کلیه عرصه‌ها از جمله سیاست جنایی، نیازمند

شناخت مفهوم مشارکت و الزامات و کارکردهای آن است. در نتیجه، به نظر می‌رسد آنچه امروزه از اهمیت بیشتری برخوردار است، چگونگی و میزان مشارکت است، نه خود مشارکت زیرا خیلی از سازمان‌ها و نهادهای حکومتی در ظاهر امر، چندان مخالفتی با مسئله به کارگیری رویکردهای مشارکتی هر چند بیشتر سطحی و کم‌عمق‌تر ندارند. در این میان، نحوه مشارکت و میزان آن است که باید مورد بررسی و دقت قرار گیرد. بی‌تردید، مشارکت‌طلبی، یک روی سکه است که در روی دیگر آن، مشارکت‌جویی قرار دارد. به عبارت دیگر، برای تحقق یک رویکرد مشارکتی صحیح و سازنده، علاوه بر اینکه لازم است مقام‌های مسئول با ایجاد ساختارهای مشارکت‌طلبانه، زمینه را برای مشارکت هر چه بیشتر و مؤثرتر فراهم کنند، مردم و نهادهای مردمی نیز باید کشش و گرایش به مشارکت را در خود پروراند و بروز دهند. این دو تأثیری متقابل بر یکدیگر دارند که بررسی آن و به‌طور کلی کنکاش در زمینه عوامل مؤثر بر مشارکت یا کناره‌گیری اجتماعی مردم، فرصتی دیگر می‌طلبد (بابایی و نجیبیان، ۱۳۹۰).

سازمان‌های مردم‌نهاد دارای جایگاه رفیعی در مشارکت‌های مردمی و سیاست‌جنایی مشارکتی بوده و می‌توانند مشارکت مردم در عرصه‌های مختلف را نهادینه و سازمان‌دهی کرده و تعمیق و گسترش دهند. امروزه، ارتباط مردم با حکومت و دستگاه‌های دولتی بیشتر از طریق این نهادهای مؤثر مدنی صورت می‌گیرد. بدین لحاظ، وجود آن‌ها از مظاهر و لوازم اصلی و اساسی جامعه مدنی به شمار رفته و تعداد و گستردگی آن‌ها معیار سنجش مشارکت‌های مردمی در جوامع مختلف قلمداد می‌شود. این نهادها در برنامه‌های پیشگیری از جرم و کاهش تخلفات در کشور جایگاه برجسته‌ای دارند به نحوی که از ارکان اصلی و اعضاء فعال شوراهای پیشگیری از جرم آن‌ها در سطوح ملی، منطقه‌ای و محلی محسوب می‌شوند.

در عصر حاضر، یکی از عواملی که نظم عمومی و توسعه کشورها را با چالش روبه‌رو می‌کند، جرائم و تخلفات مختلفی بوده که یک سری از افراد دست به ارتکاب آن‌ها می‌زنند. این گونه جرائم و تخلفات باعث اختصاص بخش عظیمی از بودجه کشورها در جهت کاهش میزان وقوع آن‌ها می‌شود. این گونه آسیب‌ها سبب می‌شود کشورها از مسیر شکوفایی و توسعه خود دور شوند. از آنجا که تجربه ثابت کرده است، دولت‌ها هرگز به تنهایی قادر به انجام چنین امری نبوده و نیستند. همچنین، با مطرح شدن مباحث نظری و تجربیات علمی در خصوص تأثیر مشارکت‌های مردمی در افزایش بازدهی طرح‌های دولتی، ضرورت استمداد از جامعه مدنی جهت مشارکت در امر پیشگیری از جرم، غیرقابل اجتناب به نظر می‌رسد. امروزه، کشورهای مختلف متناسب با میزان توسعه‌یافتگی خود، سهمی را برای مشارکت‌های مردمی در سیاست‌جنایی در نظر می‌گیرند.

در ایران، سازمان‌های مردم‌نهاد سنتی صاحب ریشه در فرهنگ و سنت ملی ما مانند انجمن‌های خیریه از سابقه طولانی برخوردار هستند. باین حال، اگر بخواهیم در مورد سازمان‌های مردم‌نهاد نوین و امروزی که دارای اساسنامه و هویت ثبتي مشخص هستند، صحبت کنیم، لازم است به دوره پس از انقلاب مشروطیت و قانون‌گذاری ایران رجوع نماییم. سازمان‌های مردم‌نهاد امروزی که مطابق الگوهای جدید و بین‌المللی در جهان تشکیل شده‌اند، بیشتر بر برنامه‌های توسعه و پیشگیری از جرائم و تخلفات تأکید دارند. در سال‌های اخیر نیز سازمان‌های مردم‌نهاد بسیاری در زمینه‌های ورزشی به وجود آمده است که روزبه‌روز روندی رو به رشد پیدا می‌کنند.

آموزش و اطلاع‌رسانی، اولین و تأثیرگذارترین گام جهت کاهش جرائم و تخلفات است زیرا بنا به گفته قدیمی‌ترین مکتب کیفری در غرب یعنی مکتب کلاسیک، برای اینکه مردم ضرورت حفظ قرارداد اجتماعی را درک کنند، نیاز به آموزش دارند. مطابق گفته «سزار بکاریا»^۱ از پیشگامان این مکتب، آموزش، آگاهی را همراهی می‌کند (عبداللهی، ۱۳۹۶). اگرچه به موجب قانون اساسی و قوانین و مقررات موجود، وظیفه تأمین آموزش رسمی و عمومی عمدتاً بر عهده

دولت و نهادهای حکومتی است اما شکی وجود ندارد که جامعه مدنی نیز نقش و سهم مهمی در این زمینه ایفا می‌کند. نهادهای اجتماعی مختلفی از قبیل خانواده، مدرسه، مسجد، سازمان‌های مردم‌نهاد و رسانه‌های گروهی نیز این کارکرد جامعه مدنی را برآورده می‌سازند.

بدون تردید، آموزش و اطلاع‌رسانی به ورزشکاران و عموم مردم توسط این سازمان‌ها می‌تواند نقش مؤثری در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی داشته باشد و آن‌ها را از ورطه تخلفات دور کند. البته بهتر است این آموزش‌ها و اطلاع‌رسانی‌ها هدفمند و جهت‌دار باشد و علاوه بر آموزش عمومی، آموزش‌های تخصصی به‌ویژه آموزش ساده مسائل و موضوعات حقوقی ورزشی در راستای کاهش جرائم و تخلفات ورزشی نیز به افراد علاقه‌مند ارائه شود.

در مورد نقش سیاست‌گذاران و مدیران ارشد در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی می‌توان بیان کرد که مبنای سیاست‌گذاری در ورزش، موضوعی جدا از کلیت سیاست‌های یک نظام نیست. مشارکت سیاست‌گذاران در حوزه ورزش برای پیشگیری و کاهش جرم، فقط پیش‌بینی تدابیر ماهوی پیشگیرانه نیست بلکه باید ساختار و آیین مناسب جهت عملیاتی‌سازی آن نیز طرح‌ریزی شود (Wright & Wells, 1993) چراکه نبود تشکیلات منسجم و آیین و ترتیبات منظم، اجرای تدابیر ماهوی پیشگیرانه را با چالش و چه‌بسا با شکست مواجه می‌سازد. موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه در گرو اتخاذ تدابیر، تشکیلات و تشریفات مناسب است زیرا کاستی و نارسایی در فرآیند اجرای تدابیر پیشگیرانه، اسباب دستیابی به اهداف را چالش‌پذیر می‌سازد و چه‌بسا به نقض شماری از حقوق بنیادی شهروندان مثل تعرض به حریم خصوصی افراد بینجامد. از این‌رو، ترسیم ساختار و فرآیند مناسب برای به اجرا در آوردن سیاست‌ها و برنامه‌های پیشگیرانه، از بایسته‌های موفقیت در پهنه سیاست جنایی است. بر همین اساس، مؤسسان قانون اساسی در زمینه چگونگی اجرای این تدابیر و شکل و مدیریت پیشگیری از جرم، سیاست‌گذاری کرده‌اند. همچنین، جرائم و تخلفات موجود در هر جامعه‌ای همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌سازد و سیاست‌های مهار این جرائم در هر جامعه‌ای، بخش مهمی از سیاست‌گذاری‌های کلان کشور را تشکیل می‌دهد. با توجه به اینکه ارتکاب جرم، همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، مسلماً همه نهادهای حکومتی باید در زمینه کاهش این جرائم و تخلفات مشارکت داشته باشند. به همین منظور، مشارکت همه نهادهای دولتی و مردمی در زمینه کاهش جرائم و تخلفات، ضروری بوده و نمی‌توان صرفاً یک نهاد یا سازمان خاص را متولی این امر دانست زیرا این‌گونه اقدامات می‌تواند سازمان‌ها و نهادهای مختلفی را در برگیرد، از قبیل مجلس شورای اسلامی، دولت، قوه قضاییه و البته نهادهای تابعه آن‌ها. البته به‌منظور درک بهتر سیاست‌گذاری در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی باید نقش هر یک از نهادهای اصلی سیاست‌گذاری در این راستا بیان شود.

در ابتدای این قسمت، باید متذکر شد که یک سری از اقدامات در جامعه باید جهت آشنایی با جرائم و تخلفات ورزشی از همان دوران کودکی در مدارس آموزش داده شود زیرا مدرسه در پرورش شخصیت و اجتماعی شدن افراد بسیار تأثیرگذار است و افراد در این عرصه، علاوه بر سوادآموزی، با هنجارهای بنیادی جامعه آشنا شده و چگونگی برخورد با مناسبت‌های اجتماعی را فرا می‌گیرند (Siegel, 2015). متأسفانه، این موضوع در آموزش و پرورش کشور نادیده گرفته شده است. توجه به این مسئله، سبب آشنایی افراد در همان مراحل ابتدایی به این اقدامات بوده چراکه آگاهی از عواقب کار، خود یکی از مصادیق تدابیر پیشگیرانه در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی است. اولین اقدامی که دولت باید در این حوزه انجام دهد، آموزش تخلفات و جرائم ورزشی در دوران تحصیلی و از همان دوره نوجوانی است. دولت و زیرمجموعه آن، آموزش و پرورش، باید در سیستم آموزشی خود، بعضی از تخلفات را به محصلان آموزش داده و مفاهیمی مربوط به عوارض و عواقب این‌گونه از جرائم و تخلفاتی را که ممکن است با آن روبه‌رو شوند، در کتب درسی خود بگنجانند.

بر اساس قانون اساسی، وظیفه قانون‌گذاری در کشور ما بر عهده مجلس شورای اسلامی است. قانون‌گذاری توسط مجلس انجام می‌شود اما در فرآیند تهیه و تنظیم یک پیش‌نویس قانونی تا تصویب آن، تحقیقات علمی، افکار عمومی، روشنفکران، گروه‌های ذی‌نفوذ اجتماعی، سازمان‌های مستقل، احزاب و رسانه‌های گروهی، نقش مهمی را در آگاه‌سازی مردم بر عهده دارند (باصری، ۱۳۹۳).

همان‌گونه که بیان شد، مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه قوه مقننه، وظیفه قانون‌گذاری است. این وظیفه در حوزه ورزش بسیار مهم و تأثیرگذار است. به همین منظور، مجلس باید اقدامات مقتضی و مهمی را در زمینه‌های موردنیاز ورزشی انجام داده، خلأها و کاستی‌های موجود در تدوین قوانین مربوط به جرائم و تخلفات ورزشی را پیدا کرده و قوانین جدید و به‌روز شده‌ای را وضع نماید. همچنین، طرح‌ها و لوایح قانونی را که در زمینه‌های ورزشی به مجلس فرستاده می‌شود، فوریت بخشد و جهت بررسی هرچه سریع‌تر آن‌ها اقدام کند. در جاهایی هم که نیاز به قرار دادن بودجه‌های لازم جهت اجرایی کردن این طرح‌ها وجود دارد، با دقت عمل بیشتری برخورد کند زیرا این‌گونه موارد می‌تواند نقش مؤثری در بسیاری از زمینه‌های ورزشی داشته باشد. یکی از این موارد، کم کردن جرائم و تخلفات رخ داده در حوزه ورزش است. پیشگیری از بزه کاری نیازمند مشارکت همه‌جانبه کلیه نهادها است^۱. طبق بند ۵ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اقدام مناسب جهت پیشگیری از جرم، وظیفه قوه قضاییه دانسته شده است. با توجه به بند ۴ این اصل، به نظر می‌رسد قانون‌گذار در بند مزبور به دنبال پیشگیری غیر کیفری بوده است (بیات و شرافتی‌پور، ۱۳۸۷)؛ بنابراین، طبق اصل ذکرشده، قوه قضاییه نمی‌تواند به‌تنهایی و بدون همراهی و مشارکت مردم و سایر نهادها در این راستا گام بردارد زیرا ظرفیت‌های این نهاد در زمینه پیشگیری از بزه کاری محدود بوده و از رهگذر آن‌ها نمی‌توان بر همه عوامل جرم‌زا تأثیر گذاشت. به هر جهت، ارتکاب بزه کاری به عوامل متعددی وابسته بوده که سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی ناظر به آن‌ها از حیث قانونی و همچنین نداشتن امکانات، از دستگاه قضایی بر نمی‌آید. از دیدگاه دیگر هم می‌توان گفت، قوه قضاییه تنها پس از وقوع جرم وارد عمل می‌شود و وظیفه پیشگیری از جرم پیش از وقوع را بر عهده ندارد چراکه پیشگیری در این معنا بر عهده مقامات اجرایی است. قوه قضاییه به‌منظور پیشگیری از وقوع جرم، نقش مدیریتی دارد و سیاست‌گذاری می‌کند اما اجرای سیاست‌ها بر عهده نهادهای اجرایی است (همان: ۱۲۷-۱۲۸).

در زمینه‌های ورزشی نیز قوه قضاییه ضمن ارائه راهکارهای پیشگیری از جرم در خصوص تقویت فعالیت‌های ورزشی و سلامت ورزش برای آحاد جامعه و همچنین، اقدامات مقتضی جهت ممانعت از اقدامات غیرقانونی و فعالیت ناسالم، در بسیاری از شهرها دست به تدوین شیوه‌نامه کمیته سلامت و ورزش نموده است. همکاری قوه قضاییه با اداره کل ورزش و جوانان و مسئولین محترم بازرسی و حراست، با مشارکت فعال مردم و نیروهای فعال در هیئت‌های ورزشی که بدون هیچ چشم‌داشتی حاضر به همکاری هستند، در زمینه کاهش جرائم ورزشی بسیار کارساز خواهد بود و سلامت محیط‌های ورزشی را از گزند متخلفان مصون خواهد داشت.

با توجه به اینکه پیشگیری از جرم قوه قضاییه به اصل ۶۱ قانون اساسی محدود است، طبیعی است قوه مجریه به‌عنوان متولی اصلی انواع پیشگیری از جرم در کشور عملاً وارد صحنه شود و از طریق سازمان‌های مختلف در جهت کاهش جرائم اقدام نماید. بزه کاری در ورزش همواره به نظم عمومی صدمه وارد می‌سازد. مهم‌ترین دلیل حضور قوه مجریه در عرصه ورزشی، حفظ نظم عمومی جامعه است زیرا ارتکاب جرم، نظم عمومی جامعه را مختل نموده و ریشه در شرایط نامناسب اجتماعی دارد. قوه مجریه علاوه بر وظیفه تأمین امنیت جامعه و حفظ نظم، نقش مؤثری را در ایجاد رفاه اجتماعی و کاهش مشکلات و آسیب‌های اجتماعی ایفاء می‌نماید. در واقع، دولت با انجام وظایفی که طبق اصول ۲۸ تا ۳۱ قانون اساسی بر عهده دارد، در حذف بسترهای ارتکاب جرم مشارکت می‌نماید.

1. Un, Handbook on the crime prevention guidelines (making them work), UN publication, , 2010, p. 22.

پیشگیری اجتماعی با ایجاد تغییر و اصلاح در افراد و شرایط اجتماعی، به دنبال کاهش ارتکاب جرم به صورت پایدار و همیشگی بوده و با بهره‌گیری از تدابیر مختلف درصدد اثرگذاری بر تکوین شخصیت افراد است (نیازپور، ۱۳۸۲). یکی از مهم‌ترین برنامه‌های دولت در امر پیشگیری اجتماعی در ورزش، ایجاد تمهیدات و فرایندهای امنیتی لازم در اماکن اجتماعی-ورزشی (به‌خصوص ورزشگاه‌ها) است که جایگاه ویژه‌ای در برنامه‌ریزی دولت و برگزارکنندگان رویدادها و رقابت‌های بزرگ و بین‌المللی دارد. امروزه، دولت و سایر نهادهای وابسته به آن به‌خصوص نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران که بر اساس قسمت د از بند ۸ ماده ۴ قانون مصوب ۱۳۶۹، عهده‌دار پیشگیری از جرم است، در پی یافتن راهکارهایی جهت مقابله و کاهش حوادث و جرائم پیش‌بینی نشده در زمینه‌های مختلف ورزشی هستند. با توجه به اینکه ناآرامی و خشونت در ورزش، یکی از موارد اغتشاش اجتماعی محسوب می‌شود، این موضوع وجود یک نوع بحران را در جامعه گوشزد می‌کند که باید تحت کنترل درآید زیرا اغتشاش، یک نوع اقدام شورشی است که با ایجاد اختلال و بی‌نظمی، کارکرد حاکمیت را زیر سؤال می‌برد. از آنجا که مجموعه‌ای از عوامل سبب بروز پدیده خشونت در ورزش می‌شوند، مدیریت و کنترل آن مستلزم اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مقابله‌ای است. نقش پلیس در مدیریت انتظامی امنیت و پیشگیری از ناآرامی‌های ورزشی، بسیار مهم و تعیین‌کننده است که با مدیریت مناسب می‌تواند از بروز برخی از پرخاشگری‌ها و ناهنجاری‌های ورزشی جلوگیری نماید. بسیاری تصور می‌کنند که پلیس و مسئولان در یک رویداد ورزشی، بخشی از پشت‌صحنه اصلی هستند و بدون آن‌ها مسابقات به شکل مطلوب و ایمن برگزار نخواهد شد. پلیس و مسئولان امنیتی ورزش نقش بسزایی در امنیت یک فعالیت ورزشی ایفا می‌کنند. برقراری نظم و امنیت تماشاگران، جلوگیری از ازدحام جمعیت در ورزشگاه‌ها، حفاظت از تماشاگران در تمامی مراحل برگزاری مسابقات، سالم نگه داشتن وسایل نقلیه و اتوبوس‌های مملو از تماشاگران، امنیت اماکن، تأسیسات و تجهیزات ورزشگاه‌ها در رویدادهای ورزشی از نظر عملی و اجتماعی، فرایند بسیار پراهمیتی است که بر عهده آنان قرار دارد. این قشر، از ارکان اصلی برگزاری مناسب رویدادهای ورزشی بوده که از همه مهم‌تر، باعث رشد صنعت ورزش خواهد شد.

نقش مدیران ارشد در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی

مدیریت در ورزش، شاید در نگاه نخست و از دید عموم، ساده‌ترین کار محسوب می‌شود که بسیاری از مردم در پی نتایج ورزشی و یا در سطوح قهرمانی و بین‌المللی به‌سادگی و پیش از هر موضوع دیگر، مدیران آن رشته را نقد می‌کنند و بیشترین مسائل را به پای مدیر می‌نویسند؛ اما واقعیت این است که مدیریت ورزشی متأثر از ویژگی‌های بسیار از جمله شخص مدیر است و امروزه، نقادی آن در بسیاری از محافل ورزشی بسیار شایع است. مدیران ارشدی که در رأس سازمان‌های ورزشی کشور قرار می‌گیرند، باید دارای دیدگاه فنی و مشارکتی نسبت به ورزش بوده و همچنین برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی مناسب، کارگزینی درست، هماهنگی و بودجه‌ریزی و گزارش‌دهی دقیقی در تمام سطوح مختلف داشته باشد. شواهد نشان می‌دهد کشورهایی که در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی موفق بوده‌اند، برای رسیدن به اهداف خود ابتدا برنامه‌ریزی و روش‌های اجرای آن را طراحی کرده‌اند. مدیران ورزشی ما نیز باید ابتدا اهداف خود را بر اساس بودجه، منابع مالی و انسانی موجود تعریف نموده و روش اجرایی مناسبی برای آن به دست آورند. سپس، گام در این راه بگذارند. در ضمن، ابتدا باید بررسی کنند که در کشور ما کدام یک از ورزش‌های مشارکتی یا همگانی، مقدم و یا اینکه کدام در نوع خود در اولویت هستند. سپس برای آن‌ها برنامه‌ریزی دقیقی در زمینه کاهش جرائم و تخلفات آن رشته نمایند. در این برنامه‌ریزی‌ها به‌طور حتم زمان‌بندی بسیار حائز اهمیت است. به‌علاوه، لازم است نظارت و ارزشیابی در هر مرحله اعمال شود تا اگر در پایان برنامه‌ریزی به اهداف خود نرسیدیم، علت را شناسایی کنیم؛ بدانیم علت یا علل نرسیدن‌ها چه بوده و در کدام مرحله اتفاق افتاده است. در کشورهای پیشرفته،

هدف‌گذاری‌ها در زمینه‌های کاهش جرائم از طریق مشارکت دنبال می‌شود که در این راه، سرمایه‌گذاری‌های ویژه‌ای بر روی منابع انسانی انجام شده است. با یک مدیریت خوب می‌توان بهترین نتیجه را در زمینه کاهش جرائم شاهد بود. برای ایجاد برنامه‌های مشارکتی در فدراسیون‌های ورزشی باید کمیته‌های آموزش فدراسیون‌ها، نظارت و کنترل‌های لازم و برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را طراحی نموده و بر اساس مسائل مختلفی که در حوزه تخلفات ورزشی به وجود می‌آید، هدف‌گذاری کنند تا برنامه‌ها از مسیر خود منحرف نشوند.

در نگاهی ساده در مورد نقش مردم در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی، شاید بتوان بیان کرد که نقش مردم بسیار کم‌رنگ‌تر از نقش دیگر موارد مؤثر باشد ولی مؤثرترین نقش از لحاظ فرهنگی همان نقش مردم است. ورزشکاران و تمام افراد ورزشی از قشر مردم هستند و سوای جامعه به حساب نمی‌آیند. در واقع، مسائل این‌چنینی با فرهنگ‌سازی، بسیار ریشه‌ای‌تر حل می‌شود تا با استفاده از سایر راه‌حل‌ها. تمامی مردم در قبال سلامت جامعه مؤثرند، همان‌گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «کَلِمَةُ رَاعٍ، وَ كَلِمَةُ مَسْئُولٍ عَنْ رَعِيَّتِهِ؛ هر کدام از شما مسئول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند، مسئول هستید». پس مردم باید برای اصلاح جامعه قدم بردارند. این قدم شاید مؤثرترین باشد. با توجه به آنچه که گفته شد، نقش و شیوه‌های تأثیرگذار مردم در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

در مورد نقش رسانه‌ها در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی می‌توان عنوان کرد که در عصر حاضر، یکی از مهم‌ترین ابزارها جهت فرهنگ‌سازی و کاهش جرائم و تخلفات، رسانه‌های جمعی هستند زیرا عصر حاضر به عصر اطلاعات و ارتباطات معروف است و مردم بیشتر از طریق رسانه‌ها الگوبرداری می‌کنند. به همین دلیل، اکثر جرم‌شناسان، جامعه‌شناسان و متولیان نظم و امنیت اجتماعی، اعتقاد ویژه‌ای بر نقش مؤثر آن در بین مردم پیدا کرده‌اند. جرم‌شناسان و وسایل ارتباط جمعی را در ذیل عوامل اجتماعی یا محیط انتخابی یا اتفاقی جرم بررسی نموده، بر نقش‌های دوگانه آن در وقوع جرم یا پیشگیری از آن تأکید دارند و معتقدند این ابزار، نقش مهمی را در پرورش یا انحراف افکار عمومی ایفا می‌کند؛ بنابراین، ماهیت رسانه‌های جمعی به‌گونه‌ای است که برای جذب مخاطب ناگزیرند مفاهیم موردنظر و واقعیات را اغراق‌آمیز یا تحریف‌آمیز ارائه دهند. رسانه‌ها با انتخاب موضوع حوادث و چگونگی انتقال مفاهیم و پیام‌ها به مردم، نقش مؤثری را در تعیین اشکال و محدوده جرم و انحرافات اجتماعی بر عهده دارند. هدف این مبحث، شناخت آثار مثبت و منفی رسانه‌ها و همچنین، نقش مشارکتی آن در بین مردم است. استفاده بهینه و مناسب از رسانه‌ها می‌تواند به‌عنوان یک عامل مؤثر در کاهش جرائم و تخلفات ورزشی در جامعه مورد استفاده قرار گیرد.

ارتباطات، نقش مؤثری در انتقال دانش، مهارت، نگرش‌ها و اطلاعات در سطح جامعه بر عهده دارد. در سال‌های اخیر، تبلیغات به بخشی از پیکره ارتباطات عمومی تبدیل شده است. با توجه به اثر ورزش در ابعاد مختلف زندگی فردی و اجتماعی و اهمیت توسعه آن در سطح ملی و نقش واسطه رسانه در این مهم، شناخت نقش رسانه در توسعه ورزش و برنامه‌ریزی‌های مناسب برای آن ضرورت پیدا کرده است (قاسمی: همان). برای توسعه و گسترش ورزش به تبلیغ و ترغیب نیاز داریم. گسترش و مشارکت در توسعه ورزش، بدون انگیزه ممکن نیست. برای دستیابی به این منظور، لازم است رسانه‌ها انگیزه‌های صحیح و عقلانی مخاطبان را شناسایی کنند. معمولاً مخاطبان رسانه‌ها اطلاعات موردنیاز خود را از منابعی می‌گیرند که با افکار و اعتقاداتشان، هم‌سو هستند؛ یعنی پیام‌گیران و مخاطبان، برنامه‌ای را تماشا نکرده و مطلبی را نمی‌خوانند، مگر آنکه آن را دوست داشته باشند (فتحی‌نیا و علیزاده، ۱۳۸۴).

رسانه‌های گروهی نقشی مؤثر در تغییر نگرش افراد جامعه نسبت به ورزش دارند. هرچه این نقش با توجه به ملاحظات چون شناخت نیازها، روش‌های مؤثر ارتباطی و رویکردهای روان‌شناختی صورت پذیرد، اثرگذارتر خواهد بود (کوهن، ۱۳۹۸). وسایل ارتباط جمعی می‌تواند در توسعه با انتشار و گسترش اندیشه‌های نو در بیداری وجدان عمومی

و تنویر افکار عمومی، نقش مؤثر، آموزش دهنده و رهبری کننده ایفا کند. دنیای جدید رسانه‌ها، کارکردهای جدیدی را برای ورزش ایجاد نموده‌اند. این مسئله تا جایی پیش رفته است که امروزه در تماشای یک بازی فوتبال، بیش از نیمی از مردم جهان تماشاگرند. این وضعیت در حالی است که شاید بیشتر آن‌ها فوتبال بازی نمی‌کنند. رسانه‌ها واسطه انتقال ورزش به تماشاگران شده و ورزش مدرن به حوزه فرهنگ عمومی وارد شده است. لذا مفهوم جدیدی از ورزش شکل گرفته و ابعاد و کارکردهای متفاوت اجتماعی ورزش پدیدار شده است (فرودر، ۱۳۸۰). بیشتر مردم از طریق تلویزیون، رادیو و مطبوعات با ورزش ارتباط برقرار می‌کنند. سهم این رسانه‌ها در زندگی برخی از طبقات اجتماعی مثل کارگران بسیار بالاست (جعفری، ۱۳۸۱). گفتمان‌سازی از دیگر کارکردهای مهم رسانه‌ها در عرصه ورزش بوده که قادر است حول محورهایی از جمله ورزش و همبستگی اجتماعی، ورزش و سلامت، ورزش و صلح جهانی و نقش ورزش در گسترش ارتباطات اجتماعی، به تعمیق بخشی و اصالت‌یابی کارکردها و تأثیرات ورزش و فراگیر نمودن آن کمک کننده باشد.

به‌طور کلی، ورزش یک پدیده اجتماعی است و به‌طور مستقیم به افراد جامعه بازمی‌گردد. بیشتر مردم از طریق وسایل ارتباطی با ورزش رابطه برقرار می‌کنند. با توجه به وظایف رسانه‌ها، وسایل ارتباطی در راستای وظایف خبری و آموزشی خود، اخبار، رویدادها و وقایع ورزشی را به اطلاع مخاطبان خود می‌رسانند و از طرف دیگر، اطلاعات لازم برای آموزش و فراگیری رشته‌های مختلف ورزشی را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. در ضمن، دستاوردهای جدید علمی و ورزشی، قوانین و قواعد جدید ورزشی را به مخاطبان می‌آموزند. این‌گونه وسایل در مقاطع حساسی که رقابت‌های مهم ورزشی انجام می‌شود، وظیفه راهنمایی و رهبری را به عهده دارند به گونه‌ای که چگونگی برخورد مردم با یک واقعه ورزشی یا پس از آن بر عهده آن‌ها است؛ مثلاً افکار عمومی را پس از شکست‌ها و ناکامی‌های ورزشی بین‌المللی، با تحلیل‌های کارشناسانه و نقدهای منصفانه به آرامش دعوت می‌کنند و یا مردم را برای حضور در ورزشگاه و تشویق تیم‌های ملی تحریک می‌کنند. برنامه‌های ورزشی و وسایل ارتباط جمعی نقش مهمی در سرگرمی و تفریح مخاطبان دارند. هدف اکثر مخاطبان از تماشای برنامه‌های ورزشی تلویزیون، تفریح و سرگرمی است. معرفی باشگاه‌های ورزشی، بازیکنان ورزشی و سبک زندگی آن‌ها را می‌توان جزء وظایف تبلیغی وسایل ارتباط جمعی دانست؛ بنابراین، رسانه‌های جمعی به‌عنوان یکی دیگر از وظایف خود می‌توانند در نظارت و کنترل جرائم و تخلفات ورزشی با دستگاه‌های متولی این امر تعامل و همکاری داشته باشند. همچنین، این رسانه‌ها می‌توانند بر تصویری که افراد از تخلفات دارند، تأثیر بگذارند و نوعی تلقی خاص از بزه‌کاری را به مردم تحمیل نمایند. اگر رسانه‌ها صادقانه سطح اطلاعات عامه را در مورد جرائم و تخلفات ورزشی و قبح آن بالا ببرند و اطلاعات مردم در مورد علل تخلفات ورزشکاران، وسایل مبارزه علیه آن و وسایل علمی پیشگیری بیشتر شود، پیشگیری بهتر تأمین خواهد شد اما در صورتی که رسانه‌ها اهداف خاصی را دنبال کنند و توجهی به مسئله جرائم ورزشی و امنیت مسابقات نداشته باشند، گاهاً خود زمینه تشدید خشونت‌ها در میادین ورزشی را فراهم می‌کنند. به تحلیل ژرژ پیکا، «رسانه‌های گروهی بی‌طرف نیستند». انتشار بی‌رویه اخبار بزه‌کاری در میان مردم از حساسیت آنان می‌کاهد و جرم قبح خود را از دست داده، آن سرزنش لازم را به دنبال نخواهد داشت. لذا نظارت عمومی که در پیشگیری وضعی دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای بوده و باید زمینه‌های آن فراهم شود، روزبه‌روز تضعیف خواهد شد.

منابع

- آقایی نیا، حسین. (۱۳۹۶). *حقوق ورزشی*. چاپ چهاردهم، تهران: نشر میزان.
- بابایی، محمدعلی و نجیبیان، علی. (۱۳۹۰). چالش‌های پیشگیری وضعی از جرم، نشریه حقوقی دادگستری، ۳(۷۵)، ۱۴۷-۱۷۲.
- باصری، علی اکبر. (۱۳۹۳). *سیاست جنایی قضایی کودکان و نوجوانان در حقوق داخلی و اسناد بین‌المللی*. تهران: نشر خرسندی.
- بیات، بهرام و شرافتی پور، جعفر. (۱۳۸۷). *پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور*. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- جعفری، سعید. (۱۳۸۱). ورزش رسانه‌ای، ماهنامه فرهنگ عمومی، ۳(۳۲)، ۱۱۷-۱۲۷.
- حمیدی، مهرزاد. (۱۳۹۵). *مدیریت سازمان‌های ورزشی*. چاپ پنجم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- دارابی، مهری، گائینی، عباسعلی و مومیوند، پروانه. (۱۳۸۸). بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر گرایش به فعالیت‌های ورزشی زنان ۲۵ تا ۴۰ سال شهر تهران، *مطالعات مدیریت ورزشی*، ۳(۲۴ پیاپی)، ۷۷-۸۸.
- عبدالهی، سامان. (۱۳۹۶). نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری مشارکتی از جرائم مانع اطفال، *فصلنامه علمی-پژوهشی علوم اجتماعی*، ۱۱(ویژه‌نامه پیشگیری از جرم و حقوق)، ۱-۲۶.
- عظیمی، محمد کاظم. (۱۳۹۷). نقدی بر حقوق ورزشی در مدارس. بازیابی شده از سایت رشدآموز تربیت‌بدنی، بازیابی در تاریخ ۱۴۰۰، از <https://mag.roshdnet.ir/tarbiatbadani/Articles>
- فتحی نیا، محمد و عزیزاده، عبدالرحمن. (۱۳۸۴). *خشونت گرای تماشگران فوتبال و نقش رسانه‌ها در کنترل آن*، نشریه پژوهش و سنجش، ۱۲(۴۲)، ۸۱-۱۰۵.
- فرودر، حسین. (۱۳۸۰). *جوانان، ورزش و رسانه‌ها، ماهنامه فرهنگ عمومی*، ۳(۲۶)، ۱۳-۲۲.
- کوهن، آرتور. (۱۳۹۸). *تغییر نگرش و تأثیر اجتماعی*. ترجمه علیرضا کلدی، چاپ ششم، تهران: دانشگاه علوم بهزیستی و توان‌بخشی.
- مددی، احمد. (۱۳۸۵). *نگاهی به اهمیت ورزش در زندگی صنعتی و نقش مدیران ارشد در نهادینه کردن ورزش*، نشریه دانش نفت، بازیابی شده در تاریخ ۱۴۰۰، از <https://daneshenaft.ir/cid/CMSContent/content>
- نیازپور، امیر حسین. (۱۳۸۲). *بررسی پیشگیری از بزه کاری در قانون اساسی ایران و لایحه قانون پیشگیری از وقوع جرم*، مجله حقوقی دادگستری، ۴۵، ۱۲۵-۱۵۹.
- Siegel, L. J. (2015). *Criminology: Theories, Patterns, and Typologies*. Belmont, CA, United States: Thomson and Wad worth Publication
- UN. (2010). *Handbook on the Crime Prevention Guidelines (Making Them Work)*. Tokyo: UN Publication.
- Wright, H. A. & Wells, D. K. (1993). *Crime Prevention Standards: A Guide for Virginia Law Enforcement Agencies*. Virginia crime prevention association publication: United States of America.

استناد به این مقاله: صفری، امید، کوشا، ارسلان، عالی‌زاده، ابوالفضل. (۱۴۰۰). سیاست جنایی مشارکتی ایران در زمینه کاهش جرائم و تخلفات ورزشی. فصلنامه تحقیقات نوین میان‌رشته‌ای حقوق، ۱(۳)، ۵۰-۶۰.



Modern Interdisciplinary Research in Law is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.